



## زیباشناختی منسوجات تاریخی یزد از نگاه فرمالیسم

نسرین مزنگی\*<sup>۱</sup>

موسسه آموزش عالی امام جواد یزد<sup>۱</sup>

Email: nasrinm991@gmail.com\*<sup>۱</sup>

### چکیده

پارچه‌بافی یکی از پیشروترین و گسترده‌ترین صنایع در بین کشورهای مسلمان از جمله ایران و هند به شمار می‌رود. سابقه صنعت بافت پارچه در ایران به ۴۰۰۰ سال قبل میلاد برمی‌گردد. صنعت نساجی به‌عنوان یک صنعت اصیل و سنتی است که سابقه بس طولانی در استان یزد دارد. این صنعت در این منطقه علاوه بر تاریخچه طولانی، پیشرفت و ترقی بسیار شایان توجهی نموده است. یکی از علل این پیشرفت در این منطقه را می‌توان وجود راه ابریشم که یکی از رگه‌های اصلی اقتصادی مملکت بوده است، دانست؛ بنابراین راه ترقی این صنعت و علاقه‌مند شدن افراد به آن را همین عامل باید به حساب آورد. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مورد منسوجات سنتی یزد می‌توان بیان کرد که این منسوجات در توسعه اقتصادی تأثیرگذار می‌باشد، از جمله: بالا بردن سطح اشتغال، ازدیاد درآمد سرانه، تولید، توسعه توریسم و مبادلات فرهنگی و توسعه صادرات. پارچه‌های سنتی یزد و طراحی آن نه‌تنها نوعی حس تنوع‌طلبی در انسان ارضا می‌کند، بلکه یک ضرورت برای ارج نهادن به تشخیص پرارزش هنرمندان و پیشکسوتان علم و صنعت نساجی یزد می‌باشد. با توجه به مطالب بیان‌شده، در این پژوهش سعی شده است، انواع پارچه‌های سنتی یزد از دیدگاه فرمالیسم و از لحاظ نقش، رنگ، بافت، جنسیت آن را مورد مطالعه قرار داده و بر اساس آمار آن‌ها را طبقه‌بندی نمود. نتایج این تحقیق نشان داد که یزد در کنار برخی از مناطق دیگر نقش برجسته و کم‌نظیری چه در زمینه ابداعات و نوآوری‌ها در محصولات نساجی در کشور و چه در زمینه ظهور هنرمندان نساج و یا جامعه هنری و صنعتی ایران نقش مهمی را داشته است.

واژگان کلیدی: طراحی پارچه، منسوجات سنتی، یزد، فرمالیسم، دست‌بافت.



## مقدمه

حوزه نقد فرمالیستی یکی از بهترین رهیافت‌هایی است که می‌توان با تکیه بر آن زیبایی‌های پارچه‌های سنتی یزد و نحوه چینش پارچه‌ها بر اساس جنسیت، رنگ، نقش و بافت را در برابر تصویر ارائه‌شده، ترسیم کرد. مکتب فرمالیسم رسماً در سال ۱۹۱۴ میلادی با انتشار رساله‌ای به نام «رستاخیز واژه» از ویکتور شک洛夫سکی اعلام موجودیت کرد. در سال ۱۹۱۶، در پترسبورگ انجمن تحقیقات زبان‌شناسی مسکو در سال ۱۹۱۵، تأسیس گردید که هر دو به نام فرمالیست مشهور شدند. فرمالیسم یکی از مکاتب نقد ادبی است که «متن» را مرکز توجه قرار می‌دهد و پژوهش‌های علمی، تاریخی و ..... را در حاشیه کار می‌دانند (علوم مقدم، ۱۳۷۷: ۳۱). فرمالیسم نوعی نقد هستی‌شناسانه، که یک اثر هنری را یک هستی مستقل با قوانین موجودی و طراحی خاص خود آن می‌داند، می‌باشد. اثر ادبی نه تنها شامل محتوا بلکه تمامی ابزار منسجم کردن یک اثر موردنظر فرمالیست‌هاست، به‌خصوص ابزارهایی که برای وحدت مضمون به کار گرفته می‌شوند و به‌ظاهر قسمت‌های بی‌ارتباط شعر یا نمایشنامه یا رمان را به هم متصل می‌کنند. مکتب فرمالیسم که در ایران به شکل‌گرایی یا صورت‌گرایی مشهور است، در حوزه نقد ادبی قرن بیستم، یکی از برجسته‌ترین مکاتب به شمار می‌رود. این مکتب بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۳۰ شکل گرفت و رشد کرد و فعالیت‌های آن بیشتر جنبه زبان‌شناسی داشت. در نظر فرمالیست‌ها، این مکتب به مجموعه عناصری اطلاق می‌شود که بافت و ساختار ادبی را به وجود می‌آوردند. لذا وزن، قافیه، مصوت و هجا، صور خیال، صنایع بدیعی، زاویه دید و پلات همه از اجزای شکل اثر ادبی هستند، مشروط به اینکه هریک از این اجزاء در ساخت و بافت آن اثر نقشی داشته باشند (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۶۴). فرمالیسم به‌عنوان یک آموزه‌ی هنری عبارت است مدعایی در مورد ارزش هنری برحسب فرم آن. به تعبیر دیگر فرمالیسم آموزه‌ای است که ارزش یک اثر را صرفاً در فرم آن جست‌وجو می‌کند. این نظریه اثر هنری را از دو جنبه می‌شناسد: یکی، جنبه‌ی فرمی و دیگری، سایر جنبه‌ها از جمله درون‌مایه و محتوا. در رویکرد فرمالیستی شناخت و ارزش اثر منحصرأ بر فرم آن تکیه می‌کند و لذا سایر جنبه‌ها یا واجد ارزش نیست و یا از ارزشی فرودست برخوردار است. بعضی از فرمالیست‌های افراطی سایر جنبه‌های اثر را نیز تابع فرم می‌شناسند. طرفداران این رویکرد مدعی‌اند که فرم هنری به مثابه‌ی ساختار، برآمده از اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن است. بدیهی است که این رویکرد، تنها برداشت عمده از فرم هنری محسوب نمی‌شود. معمولاً فرمالیست‌ها مدعی‌اند که عنایت به یک جنبه‌ی خاص اثر، در برداشت انسان نسبت به آن اثر در کلیت خود تأثیرگذار است. (جمالی، ۱۳۹۴: ۱۱-۹).

با توجه به تعریف فرمالیسم، می‌توان دریافت که در نگاه اول پارچه‌های سنتی یزد یک هنر مستقل از جهان نمای بشری هستند و فقط باید با دیدن آن‌ها به اوج هنر و سلیقه بافندگان آن پی برده و از این تصویر زیبای خلق‌شده لذت برد. با توجه به اهمیت منسوجات سنتی استان یزد می‌توان با بررسی نقوش به‌کاررفته از دیدگاه فرمالیسم در آن‌ها به وجه تمایز یا تشابه یا حتی تأثیرپذیری از یکدیگر پی برد و بر اساس آن به طبقه‌بندی اساسی دست یافت. به‌این ترتیب می‌توان گفت صنعت پارچه‌بافی استان یزد نه تنها یک صنعت بلکه یک هنر است. در این پژوهش تلاش شده است که پارچه‌های یزدی از نظر زیبایی‌شناسی نقش و رنگ و ترکیب آن‌ها با توجه به نظریه فرمالیستی موردبررسی قرار داده شود. همچنین شیوه طراحی و عناصر زیبایی در نقش پارچه‌های سنتی یزد موردمطالعه قرار خواهند گرفت و بر اساس آمار آن‌ها را طبقه‌بندی نمود.

## پیشینه تحقیق

منسوجات سنتی یزد در بین هنرها درگذشته از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار می‌باشد. به‌رغم اهمیت صنعت نساجی به‌ویژه نساجی استان یزد، اما درباره این موضوع پژوهش شایسته‌ای انجام نشده است. در لابه‌لای کتاب تاریخی به آن اشاره گذرا شده است. تحقیقاتی در زمینه‌ی آن توسط اندیشمندان از جمله پوپ و آکرمن در کتاب سیری در هنر ایران جلد پنجم پذیرفته و توضیحات بسیار جامعی در مورد پارچه‌های دوران مختلف نوشته شده است و منسوجات بر اساس بافت آن تقسیم نموده است (روح فر، ۱۳۸۰). رشد تولید ابریشم در شهر یزد به علت فقدان اقتصاد کشاورزی در این شهر بود و گسترش این صنعت باعث رشد صنایع‌دستی در این شهر شد (تشکری بافقی، ۱۳۹۲: ۵۳).



جوزافا باربارو در سفری که سال‌ها قبل از این عصر به یزد داشته یزد را چنین توصیف می‌کند: «به یزد رفته‌ام و آن شهر صنعتگرانی است که پارچه‌های ابریشمی و نخ و پشمی و مانند این‌ها می‌بافند و شاید کسانی بیندارند که در پاره‌ای از موارد من در نقل موقوف از حد راستی تجاوز می‌کنم. با این همه کسانی که یزد را دیده‌اند می‌دانند که آنچه درباره آن می‌گویم سراپا راست و درست است». او حتی در این نوشته‌ها کیفیت پارچه‌های یزد را بالاتر از پارچه‌های سوریه می‌داند (باربارو، ۱۳۴۹: ۹۰-۸۹). در واقع پارچه‌های این دوره به رنگ و طرح مشهور بوده‌اند.

تولید پارچه‌هایی با تاروپود طلا که مورد توجه دربار بود، به علت فراوانی ابریشم در این دوره بود که با ایجاد طرح‌های نگارگری هنرمندان یزدی و ابداعات و نوآوری‌هایی که داشتند باعث شهرت محصولات یزد در این دوره شد (کریستی ویلسن، ۱۳۶۹: ۱۹۸). یزد مرکز تولید پارچه‌های مصوری بود که به وسیله نقاشان مکتب تبریز طراحی می‌شدند و در دوره شاه‌عباس اول رهبر رشد اقتصادی این سبک، غیاث‌الدین معروف به غیاث‌الدین نقشبند بود (حسین زاده قشلاقی و مونس سرخه، ۱۳۹۶: ۹۸).

شهر یزد را باید همکاری نقاشان و نساجان دانست که با خلق شاهکارهایی در صنعت نساجی باعث پیشرفت این شهر شدند. مهارت بافندگان یزد باعث رشد نساجی شد به طوری که پارچه‌ها با دو امضا مشهور به به پارچه‌های غیاث‌الدین دارای طرح‌های بی‌نظیری بودند (شریفی مهجودی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

این شهر به همراه چند شهر دیگر در ایران به علت تولید کارگاهی آزاد مشهور بود که پارچه برای اعیان و صادرات در آن تولید می‌شد؛ بازار مصرف آن‌ها نیز کشورهای غربی بود و ضعف این پارچه‌ها گران بودن آن بود که باعث می‌شد در حوزه داخلی کسی خریدار آن نباشد (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۱۸). طبق گفته‌های شاردن یزد و کاشان اصفهان جزو شهرهایی بودند که دستگاه بافندگی دقیقی داشتند (حسین زاده قشلاقی و مونس سرخه، ۱۳۹۶: ۹۷). یزد این دوره دارای کارخانه‌های متعدد نخ‌ریسی و صباغی و حریربافی بود، در واقع صنعتگران یزد ثمره هنری خود را به اطراف جهان می‌فرستادند (جمال زاده، ۱۳۳۵: ۹۶).

غفار زاده در سال ۱۴۰۰، نقش اقتصادی منسوجات یزد در عصر شاه‌عباس اول صفوی را بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که بر اساس نوشته سیاحان، دوره شاه‌عباس اول، درخشان‌ترین دوره در رشد صنعت نساجی بود؛ البته فروش پارچه در داخل و رشد آن مورد تردید است؛ زیرا صاحبان ثروت برای خرید پارچه‌های مرغوب تمکن مالی داشتند ولی بقیه اقشار جامعه، بیشتر لباس‌هایی با پارچه‌های کرباس می‌پوشیدند.

از مهم‌ترین آثاری که راه را بر این پژوهش هموار می‌سازد، اثری است از ریچارد ولهیم به نام فرمالیسم و انواع آن (۱۹۹۵) که در بارسلونای اسپانیا منتشر شده است. این اثر گلچینی از نقدهای گرینبرگ با توضیحات و خلاصه‌ای از دستاوردهای فلسفی و هنری او را پیش روی خواننده قرار می‌دهد. بختیاران (۱۳۹۲)، فرمالیسم از نگاه کلاپوبل و نیکلاس لومان فرمالیسم از نظر بل و لومان را مورد بررسی قرار داده است. نوروزی طلب (۱۳۸۷)، نظریه فرمالیسم، اساس نقد، تفسیر و فهم، آثار هنری درمکرد مفهوم فرم و محتوا در اثر هنری مورد بررسی قرار داده است. جمالی (۱۳۹۲)، تأثیر نقده قوه حکم بر نظریه فرمالیسم کلمنت گلبیرنگ را بررسی کرده است. نکته حائز اهمیت اینکه توجه گرینبرگ به فرازهایی از نقد خرداب در اندیشه کانت به منظور روشن شدن آموزه‌های خود پایدگی هنر و انتقاد از خود، به عنوان مؤلفه‌های مدرنیسم مورد تحلیل و بررسی واقع شده است.

## روش تحقیق

داده‌ها و اطلاعات ارائه شده از طریق منابع مکتوب، مدارک و اسناد موجود در کتابخانه‌ها و حضور در برخی از موزه‌ها و مصاحبه مشاهده آثار به دست آمده است. روش تحقیق این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی است که از شیوه کتابخانه‌ای جهت بررسی و مقایسه منسوجات سنتی استان یزد با نظریه فرمالیسم استفاده شده است.



نظام‌الدین قاری در اشعار دیوان البسه بیش از سیصد نوع محصول نساجی را به‌کار برده است که اکثراً آن‌ها در یزد تهیه می‌شده است، البته به معنای آن نیست که همه آن‌ها انحصاری یزد بودند. برای جلوگیری از پراکنش اطلاعات و مطالعه دقیق‌تر از بین منسوجات تولیدشده در یزد، به‌صورت گزینشی یازده نمونه جهت بررسی فرمالیستی منسوجات انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته است.

### یافته‌ها

بررسی فرمالیستی منسوجات همانند سایر هنرها و صنایع دستی را از چند نگاه می‌توان انجام داد. در این تحقیق، ۱۱ نوع پارچه مربوط به منسوجات یزد از لحاظ جنس، رنگ، بافت، نقوش و محل تولید بررسی شد. نتایج به‌صورت خلاصه در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۱- تحلیل منسوجات یزد

نوع پارچه	جنسیت	رنگ	بافت/ محل تولید	نقوش	تصویر پارچه
زری	ابریشم خالص، فلز طلا و نقره (روح فر، ۱۳۸۰: ۱۴۰)	آبی، سرخ، قهوه‌ای، سفید، ارغوانی، زرد، بنفش، مشکی، سبز (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۱۱)	دستگاه ژاکاردی یزد، کاشان، اصفهان، تبریز (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	اشکال هندسی، گیاهی، حیوانات، مناظر (روح فر، ۱۳۸۰: ۴۲)	
مخمل	پنبه، ابریشم (روح فر، ۱۳۸۰: ۴۴)	عنابی سیر، زرد طلایی، سبز، نقره‌ای قهوه‌ای، کرم، خاکستری، سیاه، سرخ، سفید (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۱۱)	دستگاه مرکب یزد، کاشان، اصفهان (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	گیاهان انتزاعی، نقوش انسانی، بزم و رزم و شکار (امامی نیا، ۱۳۷۶: ۱۳۶)	
دارایی	ابریشم طبیعی و ابریشم مصنوعی (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۱۲۴)	زرد، سبز، قرمز، نارنجی، بنفش، سفید، آبی (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۴۲)	دستگاه مرکب یزد، کاشان، خوزستان، تبریز، آذربایجان، گیلان، رشت (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	شطرنجی، راه‌راه و انتزاعی و چلیپا (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۴۵-۲۴۶)	
احرامی	پنبه‌ای (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۴۱)	مشکی، آبی، سبز (شایسته فر، ۱۳۸۰: ۸)	دستگاه مرکب یزد (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	لوزی، حاشیه مداخل، تخته حاشیه و شیرو (گرگویی، ۱۳۸۰: ۵۸)	
کریاس بافی	پنبه‌ای (پاوری، ۱۳۹۲: ۱۱۵)	سفید، آبی، صورتی، سورمه‌ای، قرمز (شایسته فر، ۱۳۸۰: ۸)	دستگاه ساده یزد، اردکان، میبد (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	ساده (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۸۳)	



	ساده راه‌راه (یاوری، ۱۳۸۰: ۱۱۸)	دستگاه ساده یزد (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	آبی سیر، قرمز، زرد، سفید، سورمه‌ای (توحیدی، ۱۳۶۴: ۳۵)	پنبه‌ای (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۴۵)	بقچه، لنگ، کیسه
	چهارخانه یاپیچازی و راه‌راه (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۸۹)	دستگاه ژاکاردی یزد، میبد، اردکان، قاسم‌آباد گیلان (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	سفید، سبز، نارنجی، زرد ، صورتی، آبی، قرمز، مشکی (وکیل‌الساداتی، ۱۳۸۶: ۱۲۳)	پشمی و ابریشمی (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۸۹)	چادرشب یزدی
	نقش راه‌راه، چهارخانه (یاوری، ۱۳۹۲: ۱۱۹)	دستگاه ساده شوشتر، بهبهان، خوزستان، یزد مازندران، گلستان (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	سفید، کرم، آبی (یاوری، ۱۳۹۲: ۱۱۹)	نخ پنبه و ابریشم (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۱۷۸)	شمد بافی
	میله‌ای، چهارخانه، دو رو، تکرر (رمضانخانی، ۱۳۷۸: ۲۹۱-۲۹۲)	دستگاه مرکب یزد (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	سرخ، آبی، نیلی و کبود، سیاه، سبز پرنگ (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۹۱-۲۹۲)	ابریشم طبیعی و مصنوعی (حاجی شریفی و ساسان، ۱۳۶۳: ۷۹)	دستمال یزدی
	ساده، راه‌راه (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۸۲)	دستگاه ساده یزد، ایرندآباد، محمودآباد (امامی میبدی، ۱۳۹۴، ۶۴)	سیاه، سفید، خاکستری (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۱۱۳)	پنبه‌ای (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۸۲)	سفره یزدی
	بته‌جقه، گل‌های شاه‌عباسی، شاخ گوزنی، بته خرقه، بته سروری و بته بادام (رضوانی، ۱۳۷۷: ۹۴)	دستگاه ژاکاردی کشمیر، کرمان، یزد (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۶۴)	قرمز، عنابی، سبز، نارنجی، مشکی، زرد، آبی (امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۱۵۴)	ابریشم، پشم، کرک (هروی، ۱۳۷۲: ۶۱۱-۶۱۰)	ترمه

### بحث و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت، یازده منسوج انتخاب شده از لحاظ نقش، رنگ، بافت و نوع نقوش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### جنسیت

منسوجات انتخاب از لحاظ جنسیت مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده است. مطابق نمودار بیشترین منسوجات یزد از بهترین مواد اولیه مرغوب، ابریشم و پنبه تهیه می‌شده است که نشان‌دهنده گسترش کمی و کیفی این منسوجات در آن زمان است. پارچه‌های که از ابریشم و پنبه تهیه می‌شده از مرغوبیت و کیفیت بالاتری برخوردارند. تاریخ یزد نشان می‌دهد که یزد در نساجی بهترین الگو بوده و هنوز بازمانده‌های تولیدات ابریشمین یزد در موزه‌های جهانی خودنمایی می‌کنند و زینتبخش آن موزه‌ها هستند، اینجاست که یزد را با تمام سختی‌ها مجبور می‌کند تا به جای پلاس، جامه ابریشمین صادر کند و به جای گلیم کلفت و کم



کیفیت، ترمه و حریر یزدی باکیفیت بیافد. کته یا یزد فعلی از مناطقی بود که در مسیر فرعی راه ابریشم واقع گردیده بود. بافت پارچه ابریشمی به سبب وجود پرورش کرم ابریشم در یزد همیشه جز صنایع ملی محسوب می‌شود. قسم دیگر از ابریشم خالص است که می‌گویند در دنیا بی‌نظیر است. جذب تجار مختلف از اقصی نقاط مختلف به یزد از مسیر و جاده سخت و صعب‌العبور و کویری و خطرناک یزد، همگی حکایت از این می‌نماید که کالا با ارزش و سوددهی مورد معامله واقع می‌شده است. جامه پنبه‌ای مهم‌ترین تولید یزد و ابرکوه بود. حمدالله مستوفی راجع به یزد، در همین زمان می‌نویسد: حاصلش پنبه و ابریشم باشد. از سوی دیگر یزد، یکی از پررونق‌ترین شهرهای ایران بود و چون بین راه‌های شمال به خلیج‌فارس واقع شده، یکی از مراکز بازرگانی شرق و غرب به شمار می‌رفت. تعداد پنبه‌زنی‌ها یا حلاجی یزد تا پایان حکومت قاجار بسیار زیاد بوده است. چند کاروان‌سرا به تجارت و صنعت پنبه اختصاص داشته‌اند و حتی بازاری به نام بازار پنبه در آن وجود داشته است.

پارچه‌های پنبه‌ای بین ایشان مشتری‌های بشمار داشت و این خود باعث شد که کارخانه پنبه‌بافی و پنبه‌ریسی آن عظیم باشد. صنایع‌دستی ناشی از پنبه در شهر یزد در واقع از چرخ کردن پنبه شروع شده است.

جدول ۱- درصد جنس الیاف مورد استفاده برای تولید منسوجات یزدی

جنس	درصد جنس در پارچه‌های مورد بررسی (%)
ابریشم	۴۳
پنبه	۳۷
پشم	۲۰

#### رنگ پارچه (رنگ اصلی)

نتایج نشان داد که بیشتر از رنگ آبی و قرمز به‌عنوان رنگ اصلی برای منسوجات استفاده می‌گردید (جدول ۲). از این میان رنگ نیل یکی از بهترین و کهن‌ترین و آهسته‌آهسته، برگ و سبزه در طی قرون به‌جای نیل به خاطر ارزانی‌اش مورد استفاده بوده است. از ریشه روناس معروف است که به رنگ قرمز می‌باشد. در گذشته، رنگ قرمز روناس مطلوب‌ترین رنگی بوده است که برای رنگ‌رزی پارچه و نخ استفاده می‌شده است. اکثر ایرانیان در ترمه‌بافی و قالیبافی از آن استفاده می‌کردند. به مقادیر فراوان روناس در مناطق یزد می‌روید. رنگ زیبا و زرد و شفاف ترمه ایران اکرا از گیاهی به نام اسپرک گرفته می‌شده است. کمترین رنگ زرد می‌باشد در اکثر پارچه‌ها به‌صورت محدود می‌باشد که نمایانگر این است که جلوه ویژه‌ای به پارچه می‌بخشد. رنگ‌رزی سنتی در یزد با وجود تفاوت‌هایی که در مناطق مختلف وجود دارد، دارای فرمول مشخصی است. ابریشم و پشم گیاهی که با مواد گیاهی رنگ‌رزی می‌شود دارای نوعی جذابیت است. به‌مرور زمان در اثر استفاده قرار گرفتن در معرض نور مواد قلیایی و ... نه‌تنها ارزش آن کاسته نمی‌شود، بلکه به ثبات و درخشندگی آن نیز افزوده می‌شود. علاوه بر این رنگ‌های سنتی (گیاهی و حیوانی) حاصل تجربه صدسال مردمان سخت‌کوش سرزمینی است که همواره با اقتباس از طبیعت به زندگی رنگ بخشیده‌اند، به این سبب از ارزش معنوی و مادی بسیار برخوردار هستند. رنگ‌رزی پارچه به‌ویژه پارچه ابریشمی اصول کاری دشوار و توأم با اطمینان بوده است؛ ولی علیرغم سختی این کار رنگ‌رزان ایرانی بدون بهره‌گیری از علم شیمی، توانسته بودند، ترکیب مواد مختلف سلسله رنگ‌های گوناگونی را به دست آورند. در سراسر دنیا تعداد محدودی گیاهان قادرند رنگ آبی ایجاد کنند. آبی رنگ آسمان و اقیانوس یکی از پرطرفدارترین رنگ‌هاست. رنگ صلح و آرامش است و سبب می‌شود بدن مواد شیمیایی آرامش بخشی تولید کند. رنگ آبی از دسته رنگ‌های سرد است. در پارچه‌بافی اگر رنگ قرمز استفاده می‌کردند که می‌خواستند مقداری از میزان شدت آن کاسته شود فقط کافی است که در کنار آن رنگ آبی استفاده شود. قرمز از دسته رنگ‌های گرم است. قرمز رنگ انرژی‌زا و نیروبخش است و استفاده طولانی‌مدت از این رنگ باعث بروز پرخاشگری و ایجاد حرکات تکانه‌ای در افراد می‌شود. رنگ قرمز در کنار رنگ زرد می‌تواند تشدیدکننده رنگ پوست شود. رنگ زرد، رنگی است که کمتر از سایر رنگ‌ها جلب توجه می‌کند. اگر زیاد مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند مقهور کننده باشد، مقدار کمی که استفاده می‌شود باغ درخشندگی پارچه می‌شود.



جدول ۲- درصد رنگ مورد استفاده در تولید منسوجات یزدی به‌عنوان رنگ اصلی

جنس	درصد رنگ اصلی در پارچه‌های مورد بررسی (%)
آبی	۴۷
قرمز	۳۵
زرد	۱۸

### رنگ درجه دوم

بررسی نشان داده که از رنگ‌های نارنجی، سبز و بنفش به‌عنوان رنگ‌های درجه دوم در منسوجات یزد استفاده می‌شده است که نسبت درصد مورد استفاده در جدول ۳ نشان داده شده است. رنگ‌های سرد بیشتر برای زمینه اصلی پارچه تهیه می‌شده است. رنگ گرم نارنجی و رنگ بنفش برای آنکه جلوه و نمایان خاصی به پارچه بخشد، استفاده می‌گردیده؛ چون استفاده بیش از حد از ارزش پارچه می‌کاست. رنگ سبز نشاط و آرامش‌بخش است و در زیرمجموعه رنگ سرد قرار دارد. رنگ سبز می‌تواند حس تعادل، هماهنگی، ایمنی و سرور و نشاط برقرار کند. رنگ‌های آبی و سبز هر دو خودمحور هستند. وقتی مورد استفاده واقع می‌شود صفت خودمحوری قوی مورد تأثیر است. نارنجی از دسته رنگ‌های گرم است. افراد خاصی از آن به‌عنوان رنگ موردعلاقه خود یاد می‌کنند و این رنگ در کسب‌وکار خوب عمل می‌کند و پیام اجتماعی بودن آن بی‌نظیر است و بدین‌صورت در پارچه باعث گرمی آن می‌شود و در کنار رنگ سرد جلوه خاصی به پارچه می‌دهد. رنگ بنفش، رنگی سرشار از مفاهیم و مبانی است. رنگ بنفش خلاقانه است و اگر بیش از حد مورد استفاده قرار گیرد باعث می‌شود به‌صورت غیرعادی در نظر دیگران جلوه کند و درصد کمتری در هنر پارچه‌بافی مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۳- درصد رنگ مورد استفاده در تولید منسوجات یزدی به‌عنوان رنگ اصلی

جنس	درصد رنگ درجه دوم در پارچه‌های مورد بررسی (%)
بنفش	۴۱
نارنجی	۳۵
سبز	۲۴

### رنگ درجه سوم

نسبت درصد رنگ‌های مورد استفاده به‌عنوان رنگ سوم در جدول ۴ نشان داده شده است. سورمه‌ای رنگ شیک و با اصالت است که استفاده از آن در نشان‌دهنده قدرت و ثبات در آن فضا باشد، این رنگ حس اطمینان را به بیننده می‌دهد. سورمه‌ای اگر همراه با رنگ‌های سفید، طلایی و نقره‌ای، سبز، زرد، طوسی و دیگر رنگ‌های روشن استفاده شود، می‌تواند ترکیب چشمگیری به وجود آورد؛ بنابراین استفاده از این رنگ در پارچه‌های ایرانی می‌تواند زیبا و چشم‌نواز باشد. ترکیب رنگی این پارچه‌ها نشان‌گر ذوق و هنر ایرانی است. نمونه کاملی از کارایی رنگ سورمه‌ای در کنار رنگ‌های دیگر است. طلایی و نقره‌ای بیش از آنکه جنبه ابزاری داشته باشند جنبه درخشندگی دارند. استفاده از طلایی و نقره‌ای در ترکیب با سایر رنگ‌ها در هنر پارچه‌بافی حالت درخشان پیدا کند. رنگ طوسی و کرم در واقع رنگی خنثی از ترکیب دو رنگ سیاه‌وسفید طوسی و ترکیب زرد و سفید کرم است که به‌خوبی می‌تواند با بیشتر رنگ‌ها ترکیب شود. رنگ صورتی در واقع از ترکیب دو رنگ قرمز و سفید به دست می‌آید و جزو رنگ‌های گرم محسوب می‌شود. متأسفانه استفاده‌ی بیش از حد از رنگ صورتی، باعث می‌شود احساس حماقت و بی‌مسئولیتی در بیننده ایجاد کند. رنگ‌ها درجه سوم بیشتر با سایر رنگ‌ها ترکیب می‌شوند و باعث می‌شود تا جلوه خاصی به پارچه ببخشد.



جدول ۴- درصد رنگ مورد استفاده در تولید منسوجات یزدی به‌عنوان رنگ اصلی

جنس	درصد رنگ درجه سوم در پارچه‌های مورد بررسی (%)
سورمه‌ای	۶۰
طلایی-نقره ای-طوسی-کرم-صورتی	۴۰

### رنگ بدون فام

بررسی‌ها نشان داد از دو رنگ سیاه و سفید به‌عنوان رنگ فام در منسوجات استفاده می‌شود که میزان درصد آن‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است. رنگ سیاه بیشترین کاربرد در تمام پارچه نسبت به سفید دارا می‌باشد. رنگ سفید در واقع یک رنگ نیست بلکه نبود ماهیت یک رنگ به شمار می‌رود، از رنگ‌های خنثی بوده که برای توصیف پاکی و کمال به کار می‌رود و مکمل رنگ سیاه می‌باشد. سفید مظهر معصومیت و پاکی باشند. سفید، یک رنگ روشن و ملایم است و با همه چیز تناسب دارد. سفید از آن دسته رنگ‌هاست که تقریباً بین همه محبوبیت دارد. این رنگ با تعداد طرفدارانی که دارد، یک رنگ بی‌رقیب محسوب می‌شود و به‌عنوان پرفرودارترین رنگ در طراحی مد و لباس شناخته می‌شود. برخلاف رنگ سیاه که جاذب همه رنگ‌هاست، سفید همه رنگ‌ها را پس می‌زند و ترکیب این دو تضادی زیبا و خیره‌کننده به وجود می‌آورد. رنگ مشکی در صورتی که با رنگ‌های دیگر به‌کاربرده نشود، خیلی سرد و خشک به نظر می‌رسد. سیاه تمام نورها در طیف رنگ‌ها را جذب می‌کند. مشکی در کنار رنگ‌های طلایی و نقره‌ای، صورتی جلوه بی‌نظیری پیدا می‌کند. رنگ‌های سیاه و سفید همیشه جفت‌های بسیار خوبی هستند و این ترکیب به دلیل خنثی بودن می‌تواند با تمام رنگ‌های موجود در چرخه رنگ که باب سلیقه همه است، هماهنگ شود و ظاهر ایده آلی به وجود آورد. رنگ‌های تیره را می‌توان در کنار رنگ‌های روشن و گرم استفاده کرد چون نما و جلوه خاصی به پارچه می‌بخشد.

جدول ۵- درصد رنگ مورد استفاده در تولید منسوجات یزدی به‌عنوان رنگ فام

جنس	درصد رنگ فام در پارچه‌های مورد بررسی (%)
سیاه	۶۵
سفید	۳۵

### نوع بافت

نوع بافت پارچه‌ها، کمک ارزنده‌ای به شناخت دستگاه‌های بافندگی می‌کند. بافت پارچه‌های مرغوب نیاز به دستگاهی به نام چله‌کشی دارد. در تولید انواع پارچه بیش از صد صنف فعالیت می‌کردند و حرفه‌های دیگری چون رنگبر، کوبنده، رنگرز، نخ‌ریس در کار تولید پارچه شرکت داشتند. یکی از فعالیت‌هایی که در برخی خانه‌های سنتی یزد انجام می‌شد، ریسندهی و بافندگی بود. زنان در کنار امور خانه‌داری چرخ‌های نخ‌ریسی و ماسوره پیچی را به حرکت درمی‌آوردند و مردان در زمین نمناک و تاریک‌خانه‌ها به بافندگی و تولید انواع منسوجات مشغول بودند. در محلات قدیمی، بازار نو، شاه ابوالقاسم جنگل، پشت خان علی و ... صدای چرخش دستگاه‌های نساجی که مردم یزد را شربافی می‌نامند، طنین‌انداز بود. از کنار برخی از خانه‌ها صدای تق‌تق شانه و انداختن ماکو شنیده می‌شد که علامت حیات و کار بود. زن‌ها پشت کارگاه‌ها می‌نشستند و پاهای خود توی چاله می‌آویختند و با هر دو دست و پا کار می‌کردند. ویژگی شیوه عالی یزد در بافت کاملاً مشهود است یعنی همان عظمت و زیبایی گل کوچک یزد در گل‌های بزرگ که در اندازه طبیعی بزرگ‌تر نقش شده است، دیده می‌شود که در نهایت ظرافت و استحکام طراحی شده است. فرآورده‌های دستباف استان یزد شامل فرآورده‌های هنری و اصیلی است که تولید آن توسط ماشین سریع‌تر، بادوام و مقرون‌به‌صرفه می‌باشد. دستگاه سنتی دستی عموماً چوبی و اندازه‌ای آن برای بافت منسوجات مختلف متفاوت است به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شد: دستگاه ساده و مرکب. دستگاه ساده، امکان بافت پارچه‌هایی با طرح ساده به‌صورت خطوط افقی و عمودی و نقوش شطرنجی را به بافنده می‌دهد. بیشتر منسوجات ارزان‌قیمتی که صرفاً جنبه کاربردی داشته





مورد عموم قرار داشتند. با این دستگاه بافته می‌شوند. دستگاه مرکب به نسبت دستگاه‌های ساده، پیچیده‌تر و تخصصی‌تر بوده است و این دستگاه‌ها امکان بافت کلیه نقوش جناغی و سرژه و ساتن را به بافنده می‌دادند. دستگاه‌های ژاکاردی، برای اجرای نقوش‌های پیچیده مانند تصاویر صورت و نقوش گل و برگ با خطوط منحنی که می‌بایست تمامی تارها به‌طور مجزا قابلیت کنترل داشته باشند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. دارایی بافی، احرامی بافی، دستمال‌یزدی و بسیاری از محصولات ابریشمی مخمل که در مقایسه با انواع دستباف‌های نو قبل، از ارزش بیشتری برخوردارند با این دستگاه‌ها بافته می‌شد. محصولات این گروه که گران‌تر از نوع قبلی بود، بیشتر در میان طبقات متوسط و اکثراً در مواردی مثل جهیزیه، مصرف می‌شد. درصد بافته‌ای بافت در منسوجات یزدی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- درصد بافت مورد استفاده در تولید منسوجات یزدی

بافت	درصد بافت در پارچه‌های مورد بررسی (%)
زری-چادربش-ترمه ی یزدی	۴۸
دارایی-احرامی-دستمال یزدی	۳۳
کرباسی بافی-بقچه-لنگ-کیسه-شم‌بافی-سفره یزدی	۱۹

#### نقوش

نقش‌های اصیل و سنتی بر روی این پارچه زیبایی خاصی را جلوه‌گر می‌سازد. تنوع، پیچیدگی و ظرافت نقش‌ها است که در بافت منسوجات سنتی آن را از بقیه منسوجات متمایز می‌کند. بدین ترتیب، تمایل شدید طراحان به جنبه‌ی تصویری و نقش و نگار و تزئین منسوجات با نقش گل‌ها و شاخ و برگ گیاهان، نخل بادبزنی، چشم‌انداز گلزارها، پرندگان، آهوها، نقش ابر چینی در سه دسته‌ی تصویر انسان، زری نوشته دار و داستان نمودار گردید. از طرح تصویر انسان، غال با برای تزئین پرده استفاده می‌شد. از زری نوشته دار برای روپوش قبور یا پرده‌هایی که مقبره‌ها یا اماکن مقدس را پوشش می‌داد. در طرح داستان، استفاده از قصه‌های رزمی و بزمی مقتبس از دیوان شعری مورد توجه بود. بر این مبنای هر چند طراحان یزدی نیز هنگام ظهور سبک‌های هنری در طراحی پارچه، با ارائه الگوهایی خاص باعث شناسایی منسوجات خود شدند، اما در مجموع نمی‌توان گل طرح‌های آن‌ها را بدیع و مختص یزد داشت. به عبارت بهتر، از آنجاکه بخشی از نقوش یزد برگرفته از آثار طراحان تبریز بود، طرح‌ها و نقوش پارچه را بیش‌تر هنرمندان معروف و نساجان، خود می‌کشیدند. نقوش شطرنجی و راه‌راه بیشتر مختص منسوجات ارزان‌قیمتی که صرفاً جنبه کاربردی داشته و مورد استفاده عموم قرار داشتند، بوده است. نقوش گیاهی و مناظر در مقایسه با دستباف‌های نوع قبل، از ارزش بیشتری برخوردارند و محصولات این گروه گران‌تر از نوع قبلی بود که بیشتر در میان طبقه متوسط و اکثراً در مواردی مثل جهیزیه، مصرف می‌شد. بافت این نقوش پیچیده‌تر و تخصصی‌تر بوده است. در نقوش بته و نقوش هندسی و خطوط منحنی، می‌بایست تمامی تارها به‌طور مجزا قابلیت کنترل داشته باشند. گران‌بهارترین پارچه‌های سنتی با نقوش سخت و پیچیده به این صورت انجام می‌شود. بافت این پارچه‌ها بسیار تخصصی بوده و محصولات آن به سبب گرانی قیمت در دربار سلاطین و امرا استفاده می‌شده است. درصد نقوش مورد استفاده در منسوجات یزدی در جدول ۷ نشان داده شده است.



جدول ۶۷ درصد نقوش مورد استفاده در تولید منسوجات یزدی

بافت	درصد بافت در پارچه‌های مورد بررسی (%)
اشکال هندسی، بته، حیوانی	۳۹
اشکال گیاهی، مناظر	۳۵
شطرنجی، راه‌راه	۲۶

### نتیجه‌گیری

مروری بر پیشینه تولید محصولات دستباف، وسایلی که متعلق به ۶۰۰۰ هزار سال ق.م است و در غار کمربندی به دست آمده است را نشان می‌دهد. در حدود ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سال ق.م بافتن پارچه دستی، چرخ بافندگی معمول بوده است. وجود شرایط مطلوب در تأمین ابریشم مورد نیاز، تعداد کارگاه‌های نساجی و مهارت نساجان در طراحی و بافت فنی پارچه باعث شد تا یزد نه تنها به عنوان یکی از مراکز ملیوسات درباریان و امرا به شهرت رسد که با رونق تجارت در پادشاهی عباس اول، پارچه به یکی از مهم‌ترین کالاهای صادراتی یزد تبدیل شود. در قرن ۱۳، منسوجات یزدی در تمام دنیا ارزش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است و چه از نظر جنس و چه از نظر طرح جالب و بی‌نظیر بوده است. استفاده ماهرانه از بافت‌های پیچیده، ترکیب رنگ‌های درخشان در طرح‌های رنگارنگ، نوآوری ظاهراً پایان‌ناپذیر در استفاده از نقش‌های اسلیمی و گل‌دار برای تزیین، طراحان را قادر ساخت منسوجاتی تولید کنند که در غنا و تنوع بی‌مانندی برخوردار بود. به‌طور کلی مفاهیم ذهنی هنرمندان در اجرای نقش‌مایه‌های مذکور، همچنین فنون بافتی که به نحو عالی در بافت این پارچه‌ها به کار می‌رفت، همه از معیارهای کارگاه‌های پارچه‌بافی یزد بود. صنایع ابریشمی و مواد دیگر، همچنین نمد، نبات و شیرینی‌های آن در همه‌جای ایران بازار فروش آماده‌ای داشت. وارینگ نیز ذکر می‌کند یزد برای کل تجارت ایران بازار بزرگی به شمار می‌رفت. واژه فرمالیسم دارای دلالت‌های گوناگونی است. درخور نقد هنری معمولاً نوشته‌ای را جر فرای، گلاپول و کلمنت گرینبرگ مصادیق بارز نقد فرمالیستی محسوب می‌شود و در حوزه ادبیات با فرمالیسم روسی پیوند دارد. یکی از نقدهای که نظریه فرمالیستی می‌تواند وارد نمود ناظر بر ای امر است که پدیده‌های دیگری جز اثر هنری ممکن است واجد فرم معنی‌دار باشد. در حقیقت آنچه هنر را از سایر حوزه‌های متمایز می‌سازد کشف ساختارهای فرمی آن‌هاست و همین ساختارهای فرمی، قوه تخیل ما را در برخورد با اثر هنری به فعالیت وامی‌دارد. در اینجا نقش اثر هنری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بدین معنا که اثر هنری در پرتو فرم و محتوا، تخیل خلاق را برمی‌انگیزد تا ذهن به ساخت ناگفته‌ها و نااندیشیده‌ها دست یابد. کوتاه‌سخن آنکه فرم به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن عنصر بازنمایی، تقلید یا فرانمایی احساس، شرط کافی برای تحقق اثر هنری محسوب نمی‌شود. به‌بیان دیگر میان محتوا همواره وجهی و یا تکنیک حاکم بوده و از برخورد فرم و محتوا وحدتی فرا چنگ می‌آید که اثر هنری نامیده می‌شود. نتایج این تحقیق نشان داد که یزد در کنار برخی از مناطق دیگر نقش برجسته و کم‌نظیری چه در زمینه ابداعات و نوآوری‌ها در محصولات نساجی در کشور و چه در زمینه ظهور هنرمندان نساج و یا جامعه هنری و صنعتی ایران نقش مهمی را داشته است. از طریق نظریه فرمالیست، می‌توان هم در نوآوری طرح و هم از حیث ابتکارات فنی در پارچه‌بافی، الگویی را فراهم آورده که در همه زمینه‌های نساجی و ابداع روش‌های نو در این زمینه و در این دوران تنها گوشه‌ای از آن‌ها می‌باشد.

### منابع

- امامی میبیدی، سید منصور، (۱۳۹۴)، سیر تحول نساجی یزد از صفویه تا پایان دوره قاجار، چاپ اول، ناشر: انتشارات تیک. باربارو، جوزا، (۱۳۴۹)، سفرنامه ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، بی تا. بهشتی پور، مهدی، (۱۳۴۳)، تاریخچه نساجی ایران، ج اول، مقدمه باستانی پاریزی، نشر تهران اکونومیست. توحیدی، سید محمد، (۱۳۴۶)، صنایع دستی استان، اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان یزد.



- تاج‌بخش، احمد، (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه، تهران، فرهنگ مکتوب.
- تشکری بافق، علی‌اکبر، (۱۳۹۲)، درآمدی بر صنعت بافندگی یزد در عصر صفوی، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول.
- تودروف، ترزتان، (۱۳۸۵)، نظریه ادبیات ترجمه عاطفه طاهای، تهران، نشر اختران.
- توحیدی، سید محمد، (۱۳۶۴)، صنایع‌دستی استان، اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان یزد.
- جمال‌زاده، سید محمدعلی، (۱۳۳۵)، گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران، تهران، کاوه.
- حاجی شریفی، محسن و جواد ساسان‌نژاد، (۱۳۷۴)، خصوصیات الیاف نساجی، جلد دوم، مرکز نشر دانشگاهی، رضوانی، مریم، (۱۳۷۷)، مقاله سیری در صنعت ترمه‌بافی استان یزد.
- رمضانخانی، صدیقه، (۱۳۸۷)، هنر نساجی در یزد، چاپ سبحان نور وابسته به میراث فرهنگی یزد.
- روح فر، زهره، (۱۳۸۰)، نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- شایسته فر، مهناز، (۱۳۸۷)، نگاهی بر هنر نساجی و پارچه‌بافی ایران، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۰.
- شمسیا، سیروس، (۱۳۸۳)، نقد ادبی، ناشر: فردوس.
- صفا کیش، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، صفویان در گذرگاه تاریخ، تهران، سخن.
- علوی مقدم، مهیار، (۱۳۷۷)، نظریه نقد ادبی معاصر، تهران، نشر سمت.
- غفار زاده، زهرا، (۱۴۰۰)، نقش اقتصادی منسوجات یزد در عصر شاه‌عباس اول صفوی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تبریز، ایران.
- فرشاد، مهدی، (۱۳۶۳)، تاریخی مهندسی ایران، تهران، گویش.
- قهرمانی، ابوالفتح، (۱۳۹۰)، یزد نگین کویر، مجموعه اطلاعات و راهنمای سیاحتی.
- گرگویی، حسین، (۱۳۸۶)، بررسی نقش و رنگ در نساجی سنتی ایران، دارایی بافی و احرامی بافی.
- وکیل‌الساداتی، سید حیدر، حسین سعیدی، (۱۳۶۷)، تاریخچه صنعت و هنر ترمه‌بافی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
- ویلسن، ج کریستی، (۱۳۶۳)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران، فرهنگسرا.
- یاوری، حسین، (۱۳۹۲)، نساجی سنتی ایران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.